

تبیین شاخص‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی

حمید دهقانیان^۱؛ دکتر حسن خیری^۲

چکیده

اقتصاد مقاومتی به عنوان یک راهبرد اقتصادی، برای مهندسی جدید اقتصادی کشور با توجه به شرایط امروزی و همچنین آسیب‌های موجود در مدل‌های کنونی توسعه اقتصادی مانند وابستگی سیستمی به اقتصاد جهانی و همچنین مبانی نظری مادی‌گرایانه این نوع توسعه که در چالش عمیق با مبانی اقتصاد اسلامی است، برای اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۹ اتخاذ گردید. مسلم است که نمی‌توان از نقش اقتصاد در ایجاد مناسبات، رفتار و روابط اجتماعی غافل بود. ایجاد سیستم اقتصادی جدید بدون در نظر گرفتن و ساماندهی دیگر نظام‌های اجتماعی عملاً غیرممکن است. در این بین، نظام فرهنگی که سازنده هنجارها و ارزش‌های رفتاری مردم است نقش بی‌بدیلی داشته است. تحقیق ماکس وبر در موضوع اخلاق پروتستانی و نقش آن در پیدایش سرمایه‌داری و همچنین تأثیرات این دو نظام اجتماعی بر یکدیگر را می‌توان یکی از بهترین نمونه‌های این امر دانست که در آن به تعیین شیوه سبک زندگی توسط دین و تأثیر آن بر اخلاق اقتصادی پرداخته شده است. از این جهت تعامل دوسویه سبک زندگی و شیوه زیست اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار بوده که بیش از چند دهه است که ذیل نظریات سبک زندگی و مصرف، در کانون تحلیل نظریه پردازان اجتماعی قرار گرفته است. در این مقاله سعی می‌شود ضمن بررسی دیدگاه‌های موجود در این زمینه، مؤلفه‌های مرتبط با دو موضوع اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی از روش نظریه داده بنیاد و ذیل نظریات توسعه، مشخص گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، الگوی توسعه، سبک زندگی، مصرف

مقدمه

اقتصاد مقاومتی را اولین بار مقام معظم رهبری در شهریور ماه ۱۳۸۹ مطرح کردند و تبیین آن را به عهده نخبگان حوزوی و دانشگاهی گذاشتند. واژه‌ای که تقریباً معادل دقیقی برای آن در ادبیات موجود اقتصادی پیدا نمی‌شود و به نوعی واژه‌ای ابداعی و جدید در این ادبیات است. شرایط کنونی نظام جمهوری اسلامی با توجه به تحریم‌های موجود که کشور را در تنگناهای مالی و فنی قرار داده از یک سو و نیاز کشور به یک اقتصاد با مبانی اسلامی با توجه به مبانی نظری مادی‌گرایانه نظام‌های اقتصادی موجود، از جمله عوامل طرح این دغدغه از سوی ایشان بوده است. از منظر ایشان، اقتصاد مقاومتی یعنی «آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم شکوفایی خودشان را داشته باشند» (از بیانات معظم له در ۹۱/۵/۱۶). ایشان در تشریح بیشتر این دیدگاه، به تصحیح برداشت‌ها از اقتصاد مقاومتی پرداخته و آن را اقتصادی پویا با استفاده از امکانات بومی دانسته و معنای ریاضت اقتصادی را از آن نفی کرده و آن را اقتصادی مقاوم در برابر تغییرات سیاست‌های جهانی معرفی می‌کند. اما آنچه ضروری است این است که چگونه می‌توان بدین مهم

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اجتماعی / شیعه‌شناسی دانشگاه قم؛ h.dehghanian۳@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

دست یافت. تحلیل‌های یک‌سویه بدون در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی دیگر مخصوصاً تأثیرات متقابل نظام فرهنگی همواره ما را در ارائه تحلیل دچار نوعی تقلیل‌گرایی نموده است.

از این منظر وجود نگاه‌های سیستمی و کل‌نگر در تبیین موضوع می‌تواند ما را به راه‌های منطقی‌تر برساند. شکی نیست که جوامع امروزی به علت ورود به نظامی مدرن بیشترین تأثیرات را در حوزه‌های اقتصادی می‌پذیرند. اقتصاد را اگر نخواهیم همچون قرائت مارکسیستی عامل اصلی یا مسلط در بروز تغییرات اجتماعی به حساب آوریم قطعاً یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در سایر حوزه‌ها به خصوص حوزه فرهنگی می‌باشد.

با توجه به ماهیت گفتمانی انقلاب اسلامی و چالش اساسی آن گفتمان غرب در سه بُعد انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و همچنین طرح مسأله توانایی دین اسلام در سرپرستی اجتماعی در گفتمان انقلاب که در اسناد بالا دستی از جمله قانون اساسی به خوبی منعکس است و همچنین تأکید دین اسلام در مسأله اقتصاد که به صورت فقه و مبانی اقتصادی موجود است، اهمیت بحث طراحی الگوی اقتصادی را دوچندان می‌کند. وجود دغدغه اقتصاد اسلامی، بانکداری بدون ربا و... در نزد صاحب‌نظران همواره از این تعارضات نشأت گرفته است. در تحلیل نظام‌های اجتماعی، خرده نظامی که بیشترین تطبیق را می‌بایست با شرایط روز داشته باشد نظام اقتصادی است. اساساً در تغییرات زمانی یکی از الگوهایی که بیشترین تغییر در آن صورت می‌پذیرد شیوه معاش است. پارسونز بر همین اساس در نظریه ساختاری - کارکردی خود، نهاد اقتصادی را دارای کارکرد انطباق با محیط دانسته که نهاد تأمین و تضمین‌کننده شرایط مادی جامعه است (سیدمن، ۱۳۹۲، ۱۰۵).

آنچه مسلم است یکی از شروط بقای هر نظام اجتماعی کارآمدی نظام اقتصادی آن است. مسأله مهم دیگر وجود رابطه دوسویه بین نهاد اقتصادی و نهاد فرهنگی است. پس از آنکه کارل مارکس در نظریه خود، اقتصاد را به عنوان زیربنا و تولیدکننده امور فرهنگی و سیاسی به عنوان روبنا مطرح کرد، ماکس وبر در تحقیق مفصل خود وجود اخلاق پروتستانی را در شکل‌گیری ریشه‌های سرمایه‌داری در غرب، مؤثر دانسته و بر تعامل خرده‌نظام‌های اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد. امروزه دیگر هیچ نظریه‌پردازی نیست که از نقش تعامل این خرده‌نظام‌ها با یکدیگر در تحلیل‌های اجتماعی غافل باشد. از این رو دیگر نمی‌توان در طراحی مدل نظام‌های اجتماعی از نقش سایر نظام‌ها چشم‌پوشی کرد. پارسونز در طرح دیدگاه خرده‌نظام‌های کنش اجتماعی، به علت نمادین و سوبژکتیو بودن نظام فرهنگی، آن را سیال و پویا می‌داند؛ به طوری که به سهولت به نظام دیگری منتقل شده و توانایی کنترل دیگر نظام‌های کنش را نیز دارا بوده (ریتزر، ۱۳۹۲: ۱۴۹). از این منظر طرح بحث سبک زندگی و اقتصاد مقاومتی نه تنها شایسته بلکه ضروری نیز می‌باشد.

مسأله مهم دیگر این است که قدم اول در ارائه الگوی سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی تبیین نظریاتی است که این الگوها از آن استخراج می‌شوند. از آنجا که هر دو بحث سبک زندگی و اقتصاد مقاومتی از واژگان نوظهور در ادبیات علمی کشور است فقر محتوی و نظریه آن هم به شکل بومی راهی جز تعیین مؤلفه‌های مرتبط برای ما باقی نمی‌ماند تا از این رهگذر بتوانیم تبیین‌های شفاف‌تری از موضوع داشته باشیم.

شکی نیست که یکی از دلایل طرح مفهوم اقتصاد مقاومتی وابستگی اقتصاد کشور به الگوی توسعه که حاکم بر معادلات اقتصاد جهانی است. ولی آنچه باید بدان توجه کرد وجود زمینه‌های اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی در کشور است. واقعیت غیرقابل انکار این است که یکی از این زمینه‌ها الگوی سبک زندگی مخصوصاً در حوزه اقتصادی است که شرایط وابستگی را در کشور بازتولید می‌کند. برای شفاف شدن بیشتر موضوع ضمن تعریف و تبیین واژگان کلیدی بحث نظریات موجود ارائه می‌گردد.

الگو

الگو معادل کلمه مدل در زبان انگلیسی است. «یک مدل، یک الگو، طرح، معرفی، یا تشریح است که برای نشان دادن هدف اصلی یا کارکرد یک موضوع، سیستم یا مفهوم در نظر گرفته شده است (Stanford encyclopedia of philosophy, Models in science). در ادبیات متعارف علمی الگوها برای توصیف و تبیین پدیده‌ها یا داده‌های مربوط به واقعیت خارجی به کار می‌روند. آنچه مسلم است این است که الگوها از نظریه‌ها استخراج می‌شوند و تبیین‌کننده این نظریات هستند (آبرکسی، ۱۳۶۷: ۲۶۴؛ توسلی، ۱۳۶۹: ۳۰). نظریه‌های علمی که الگوها از آن استخراج می‌شود هرکدام پارادایم خاص خود را دارد. از این منظر دارای هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص خود است. انتخاب الگوها بار نمادین خود را که بازتاب دهنده نگرش‌ها و ارزش‌های تولیدکننده الگو می‌باشد همواره به همراه دارد که ممکن است با منظومه ارزشی محیط انتخاب همخوانی نداشته باشد و تضاد ارزشی را به دنبال داشته باشد.

توسعه

اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شد. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۷: ۲۴). توسعه ترجمه کلمه development است و از ادبیات علمی غرب به عاریت گرفته شده است. در این ادبیات توسعه‌یافتگی و راهبردهای توسعه مبتنی بر دئیسم، شکاکیت یا انکار خداوند، اصالت ماده، اصالت فرد، اصالت تجربه، و تفسیر خاصی از سعادت انسان و جامعه، تفسیر و تعیین می‌شود (میر معزی، ۱۳۹۱: ۹۵). نکته غیرقابل انکاری که در تعاریف فوق وجود دارد این است که این ادبیات از یک طرف با ارزش‌های سنتی و دینی تضاد و تعارض داشته و از سوی دیگر، الگوی توسعه بر مبنای غربی شدن را فرمول عام، ضروری و حتمی برای بشریت تلقی می‌کند. بدیهی است که جهان‌بینی حاکم بر تولید این الگو با جهان‌بینی اسلامی در تقابل بوده و سعی در نفی ارزش‌های آن دارد. عقلانیت حاکم بر گفتمان توسعه که نظم اجتماعی خاص خود را در بر دارد از نوع ابزاری بوده که از آن به «کنش منطقی» یاد شده که در نظریات «ماکس وبر» و «ویلفرد پاره‌تو» به خوبی تعریف شده است. «در عصر مدرنیزاسیون، عقلانیت فنی و استراتژیک بر سایر اشکال عقلانیت چیرگی یافته است.» (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۰). یکی از عوارض جدانشدنی الگوی توسعه در کشورهای در حال توسعه، مصرف انبوه تولیدات جوانع صنعتی است. اساساً چرخ اقتصاد ماشینی که تولید انبوه می‌کند بر اساس مصرف

انبوه می‌چرخد که در این بین تبلیغات رسانه‌ای بیشترین سهم را در ایجاد ذائقه مصرفی بر اساس پدیده‌ای به نام مد دارند. تفکر مدرن بر اساس روحیه تنوع‌طلبی و تغییر است و این تنوع‌طلبی، سلیقه‌ها و سبک‌های مختلف ایجاد می‌کند. عوارض نظام سرمایه‌داری و الگوی توسعه منتج از آن همواره توسط نظریه‌پردازان علوم اجتماعی از همان ابتدا متذکر گردیده و غفلت برنامه‌ریزان کشور، از این موضوع ما را دچار آسیب‌های فراوان اجتماعی و اقتصادی کرده است. تغییر سیاست‌های توسعه‌ای غرب و ورود گفتمان سیاست فرهنگی به این ادبیات در پررنگ‌تر شدن نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در پیشبرد اهداف برنامه‌های توسعه از دهه ۷۰ به این طرف نقش مؤثری در مصرف‌زدگی و وابستگی بیشتر کشورهای جهان سوم به اقتصاد جهانی داشته است. در این بین کارکرد رسانه‌های جمعی بسیار ویژه بوده است. «اکنون که گسترش وسایل ارتباطی و تحرک جمعیت، شخص را در معرض دید مردم بسیاری قرار می‌دهد، جز نمایش دادن کالا، وسیله دیگری برای داوری کردن درباره اعتبار شخص وجود ندارد» (وبلن، ۱۳۸۳: ۱۲۳). رواج پدیده‌ای به عنوان مد محصل و ره‌آورد فرهنگ مدرن است؛ به طوری که زیمبل، ذات مدرنیته را تغییر و بی‌قراری دانسته و مد را تقلید از این بی‌قراری می‌داند (بهار، ۱۳۹۰: ۱۸۱). آنچه باعث پایداری پدیده مد در جامعه می‌شود مصرف‌زدگی است. مصرف را می‌توان کلیدواژه اصلی گفتمان توسعه به‌خصوص برای کشورهای جهان سوم دانست. «آکسفورد» مصرف را نوعی خرید و استفاده از چیزی که با انتخاب کالا همراه است، تعریف می‌کند (کمپل، ۱۹۹۵: ۱۰۲، به نقل از بهار).

ورما به نقل از کاپت (۱۹۷۴) مصرف را عملی روان‌شناختی می‌داند که مصرف‌کننده‌ای را که برای به دست آوردن یک سبک زندگی مطلوب بارها شکست خورده است، تشویق می‌کند تا مصرف دیگری را تجربه کند (همان: ۱۸). فهم مشترک اغلب محققان این است که شکل‌گیری مصرف از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم آغاز شده است و جریان‌های بین دو جنگ جهانی اول و دوم کمک کرد تا فرآیند حرکت مصرف از جنبه‌های اقتصادی به فرهنگی آسان شود (همان: ۱۸).

مایلز به رشد مصرف و مصرف‌کننده اشاره می‌کند که با آغاز صنعتی شدن همراه بوده است. از نظر او صنعتی شدن، باعث شده است ساختارها، ارزش‌ها و ایستارهای اجتماعی، همگی به نوعی تغییر کنند و به تدریج زمینه را برای جامعه‌ای فراهم کنند که تشنه تازگی باشد (همان: ۱۹). گفتمان سرمایه‌داری به عنوان الگوی برنامه‌های توسعه‌محور، تغییر در سبک زندگی جوامع را در راستای سرمایه‌داری رمز بقای خود یافته است. «نیاز سرمایه به گردش، تحول دائمی سبک زندگی به ویژه سبک زندگی‌های متکی بر مصرف و مد را به وجود آورده است» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

نگاهی به آمار رشد واردات کالاهایی مانند پوشاک و لوازم آرایشی در دو دهه اخیر اثبات این فرضیه است که در این بخش کشور ما به شدت از بازارهای جهانی تأثیر پذیرفته و عملاً مصرف‌کننده کالایی شده که مطابق با فرهنگ غرب تولید شده است. از نگاه نظریه‌پردازان مکانیسم مصرف علاوه بر علل روان‌شناختی می‌تواند علل ساختاری نیز داشته باشد؛ یعنی اینکه خود ساختارها می‌توانند در شکل‌گیری مکانیسم نقش داشته باشند و حتی مستوجب پیدایش زمینه‌های روان‌شناختی گردند. به عنوان مثال شکل‌گیری نظام

ارزش‌گذاری در جامعه توسط سیستم آموزشی، رسانه‌های تبلیغات جمعی، ساختار دولتی و... یک نوع نگاه به مصرف، در بین صاحب‌نظران نگاهی روان‌شناختی است که در عین حال از منظر جامعه‌شناختی تحلیل می‌شود.

همان‌طور که پیشتر اشاره رفت الگوی حاکم بر نظام اقتصادی ما برگرفته از گفتمان توسعه بوده که بر اساس نظریه‌پردازان توسعه، وابستگی این گفتمان ما را در انتخاب الگوهای مناسب بومی با توجه به ظرفیت‌های داخلی دچار مشکل کرده است. این گفتمان ضمن تقسیم کشورهای جهان به سه تیپ کلی توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته، بر این فرض استوار است که تیپ ایده‌آل کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، به علت پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیکی، عمدتاً کشورهای اروپای غربی و آمریکا است و تنها راه رسیدن کشورهای به اصطلاح عقب مانده از این پیشرفت‌ها، تبعیت و تسلیم در برابر الگوی توسعه آنهاست. در نتیجه، هم راهی برای استعمار این کشورها (به اصطلاح جهان سوم) و هم تبدیل آنها به بازار مصرف کالاها و تکنولوژی‌های از کار افتاده کشورهای توسعه یافته باشند.

روش تحقیق

یکی از روش‌های کیفی در تحقیق، روش نظریه‌پردازی داده بنیاد است. این روش در اصل به دست دو جامعه‌شناس به نام‌های بارنی گلیزر و انسلم اشتراوس به وجود آمده است. «نظریه زمینه‌ای آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند» (اشتراوس، کرین، ۱۳۹۱: ۳۴).

این نظریه، نوعی نظریه است که به صورت استقرایی از مطالعه یک پدیده حاصل می‌شود و در این روش، مطالعه یک پدیده اجازه می‌دهد که تئوری حاکم بر آن در طول زمان پدیدار شود. در این روش اطلاعات گردآوری شده به مجموعه‌ای از کدها، کدها به مقولات و مقولات به تئوری تبدیل می‌شوند (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۵۸).

۱. لزوم اتخاذ نوعی نگاه فرایندی در مطالعه و بررسی پدیده مورد مطالعه تحت این روش امری ضروری است که باعث کسب نتایجی معتبر خواهد شد.
۲. نمونه‌برداری نظری: در مرحله جمع‌آوری داده، نمونه‌گیری، هدفمند انجام می‌گیرد. گلیزر و اشتراوس، نمونه‌پردازی نظری را این‌گونه تعریف می‌کنند: نمونه‌برداری نظری، فرآیند جمع‌آوری داده‌ها برای تولید یک نظریه است که از طریق آن، تحلیل‌گر به طور همزمان داده‌های خود را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌ای را جمع‌آوری و کجا آنها را پیدا کند. نمونه‌گیری نظری بر مبنای مقایسه استوار است. منظور از مقایسه این است که به سراغ جاهای، آدم‌ها و رویدادهایی برویم که امکان کشف گوناگونی را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد غنی کند (اشتراوس، کرین، ۱۳۹۱: ۲۱۹). اما باید این را مد نظر داشت که این نمونه‌برداری نظری، زمانی که به کفایت نظری در مقولات یا نظریات رسیدن پایان می‌پذیرد. رسیدن به اشباع نظری نقطه پایان نمونه‌گیری است. اشباع نظری یعنی مرحله‌ای که الف) هیچ داده جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید؛ ب) مقوله از لحاظ

ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی آن را به نمایش بگذارد؛ ج) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد.

۳. کدگذاری: سه روال عمده‌ای که گلپزر و اشتراوس برای روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد ارائه کرده‌اند عبارت‌اند از:

الف - کدگذاری باز: فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌گردند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۰). در اینجا منظور از مفاهیم، برچسب‌های مفهومی هستند که بر حوادث یا دیگر پدیده‌ها زده می‌شوند. ویژگی‌ها، صفات راجع به یک مقوله و ابعاد نیز به معنای قرار دادن ویژگی‌ها روی یک پیوستار تعریف می‌شوند (استراوس، کربین، ۱۳۹۱: ۸۲).

ب - کدگذاری محوری: فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی «کدگذاری محوری» نامیده می‌شود؛ زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد و مقوله‌ها را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌کند (استراوس، کربین، ۱۳۹۱: ۱۴۵). در این مرحله مفاهیم طبقه بندی شده نظم جدیدی به خود گرفته و بیشتر با همدیگر مرتبط می‌شوند.

ج - کدگذاری گزینشی: این مرحله شامل یکپارچه کردن و پالایش نظریه است. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح دهنده‌گی دارد، مرتب می‌شوند. یکپارچه‌سازی، به تدریج و از نخستین گام‌های تحلیل روی می‌دهد و اغلب تا آخرین مراحل تهیه نوشته نهایی نیز ادامه می‌یابد. همین که ما خود را به یک اندیشه مرکزی پایبند کردیم، مقوله‌های اصلی با جمله‌های تبیینی حاکی از ارتباط، به آن وصل می‌شوند.

اعتبار و ارزشیابی:

هر پژوهشی چه کیفی و چه کمی باید از لحاظ هنجارها و ترتیبات روشی که برای یافته‌های آن به کار رفته مورد ارزشیابی قرار گیرد (استراوس، کربین، ۱۳۹۱: ۲۸۹). مروری بر طرح و ارزیابی منطق و ثبات داخلی طرح و اعتبار دادن طرح نظری و اینکه اطمینان حاصل شود که نظریه از دل داده‌ها بیرون آمده باشد از لوازم اعتبار پژوهش است.

تجزیه و تجلیل:

در این بخش از حجم بالای داده‌های تحلیلی (پرسش‌ها، فرایندها، نمودارها و کدگذاری‌ها و...) به علت محدودیت‌های موجود صرف‌نظر کرده و به شرح مختصر و کلی از تحلیل بسنده می‌کنیم. در این تجزیه و تحلیل از نظریات موجود در مورد سبک زندگی با خاستگاه‌های متفاوت جهت گوناگونی متناسب با موضوع به خوبی نمایش داده شده و دیگر ویژگی‌ها از لحاظ ابعاد غنی شده است که رابطه منطقی این نظریات با سبک زندگی اثبات شده است، تا به اعتبار و پایایی تحقیق کمک بیشتری کرده باشد.

نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است نو بودن دو مفهوم سبک زندگی و اقتصاد مقاومتی در ادبیات علمی است. از این رو ما ابتدا مؤلفه‌های سبک زندگی را در بین نظریه‌های مختلف بررسی سپس رابطه مؤلفه‌های مرتبط بین سبک زندگی و اقتصاد مقاومتی را تحقیق کرده تا ادبیاتی مشترک شکل گرفته باشد. برای این

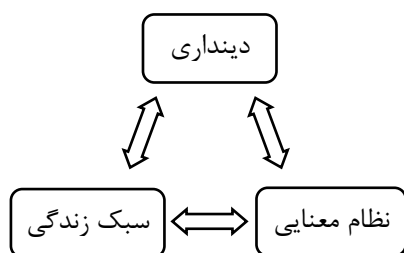
تحقیق کدها و مؤلفه‌های مطرح در نظریات سبک زندگی در مقولات مشخص طبقه بندی شده و از سوی دیگر مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای (در طی ۱۰ سخنرانی که در رابطه با این موضوع بوده از سال ۸۹ تا ۹۲) و همچنین صاحب‌نظران اقتصادی، در این رابطه استخراج و کدگذاری گردید تا به اشباع نظری انجامید. مفاهیم مشترک بر اساس منطق پژوهش جمع‌بندی و مدل نهایی ارائه گردیده است. در این بین مؤلفه‌های مرتبط سبک زندگی در دو بُعد رفتاری و ساختاری استخراج و در جدول شماره ۱ ارائه گردیده است.

از سوی دیگر مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در این دو بُعد به صورت عام نیز در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است. در جدول شماره ۳ مؤلفه‌های متناسب با سبک زندگی دینی با تحقیق از سه منبع دین و سبک زندگی اثر دکتر محمد سعید مهدوی کنی، مقیاس سنجش دینداری تالیف دکتر مسعود آذربایجانی و همچنین سبک زندگی اسلامی اثر دکتر کاویانی محمد کاویانی که از نوع تحقیقات بنیادی بوده و با استفاده از کتب دینی و مصاحبه با کارشناسان متعدد دینی، مؤلفه‌های سبک زندگی دینی را بررسی کرده‌اند استفاده شده است. از بررسی این جدول‌ها مشخص گردیده که در سبک زندگی مؤلفه‌هایی وجود داشته که به بازتولید تمایز، تشکیل طبقات براساس مصرف، و زندگی در رقابت مادی می‌انجامد؛ که نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی اسلامی است.

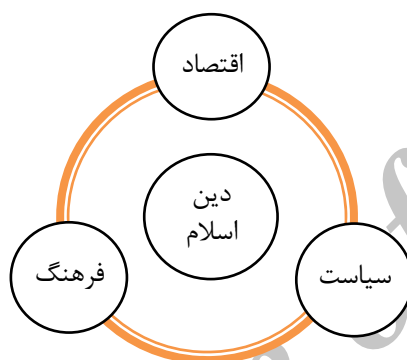
بدین سبب وجود نظام معنایی متفاوت تولید شده در نظام دینی کشور متناسب با اقتصاد مقاومتی قطعاً منجر به تولید ساختاری و رفتاری متفاوتی در سبک زندگی می‌شود. از آنجا که ساختار فرهنگی و اقتصادی نقش به‌سزایی در تولید سبک زندگی دارند با توجه به شرایط اقتصادی امروز کشور و وابستگی اقتصاد به دلارهای نفتی که به همراه خود مصرف‌گرایی کالاهای وارداتی را به همراه می‌آورد اتخاذ و اشاعه سبک زندگی مخصوصاً در مؤلفه‌های فرهنگ تولیدی و مصرفی می‌تواند ما را از این بحران نجات دهد. به واسطه نقش کلیدی نظام معنایی در تولید سبک زندگی و همچنین نقش دین در تولید این نظام معنایی در قالب فرهنگ (هنجارها، ارزش‌ها و نهادها) و تأکید دین اسلام بر دو مؤلفه تولید و اشتغال از یک سو و اسراف در بخش مصرف و همچنین نفی تمایزهای مادی در شخصیت افراد و مؤلفه‌های دیگر، می‌توان سبک زندگی دینی را راهگشای این بحران دانست.

در تحقیق انجام شده آنچه پدیدار گشته (مدل شماره ۱) مفهوم دینداری است که می‌تواند در تولید نظام معنایی شکل دهنده سبک زندگی مؤثر اتفاق افتاده و کنشگر را به انتخاب کنشی مطابق با ارزش‌های خود کند که این مسأله به شکل فرآیندی و متقابل اتفاق افتاده است؛ به طوری که برهم‌کنش آنها منجر به انتخاب کنشگر می‌شود.

در مدل شماره ۲ نیز ظرفیت دین اسلام در ساختن جامعه با وجود مبانی و نظریه‌های موجود، در رابطه به سه نظام اجتماعی کلان پدیدار گشته که در آن این سه نظام در عین برهم‌کنش‌های داخلی تحت تأثیر معیارها و اصول دینی بر ساخته می‌شوند.



مدل شماره ۱: فرآیند بین دینداری، سبک زندگی و نظام معنایی



مدل شماره ۲: ظرفیت جامعه سازی دین اسلام

جدول شماره یک: مفاهیم و مؤلفه‌های سبک زندگی

مقولات	مفاهیم
ساختاری	فرهنگی نشانه تمایز و فاصله فرهنگی - راه شناخت خودی از بیگانه - ثبت سلیقه‌های نو - سیمای فکر انسان - منعکس کننده ارزش‌ها و گرایش‌های گروه - پیشرفت‌هایی در کیفیت زندگی - الگوی رفتار فرهنگی جمع - ایجاد توازن فرهنگی با محیط اجتماعی - ارزش‌ها و رسم‌های مشترکی است - رسوم و عادات اجتماعی - الگوی روابط اجتماعی - نظامی متأثر از فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) - کلیت الگوهای رفتاری و تمایل هنجاری ... که از طریق فرآیندهای اجتماعی تکامل می‌یابند - تجلی عادات فردی که توسط جامعه در فرد ساخته است - عینی‌سازی فرهنگ ذهنی به وسیله امکانات مادی - الگوی مصرف طبقاتی - الگوی گذران فراغت - مطالعه دارایی - کالاهای تجملی یا فرهنگی
	اقتصادی نشانه طبقه - نشانه تمایز اقتصادی - به جای عوامل اقتصادی - نشانگر قشربندی اجتماعی - کیفیت زندگی اقتصادی اجتماع - الگوی رفتار اقتصادی جمع - ایجاد توازن اقتصادی با محیط اجتماعی
فردی	فرهنگی هویت (تمایز) فردی - راهی مطمئن برای شناخت خلق و خوی انسان - منعکس کننده گرایش‌ها و ارزش‌های یک فرد - قدرت تشخیص - روش‌های فکری - تجلی رفتاری سازوکار روحی، عادات فکری و معرفت - جهان‌بینی متمایزی - روشی از نگاه به زندگی با تجربیات اجتماعی ویژه خود - راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف - توانایی برای بیان ویژگی‌های فرهنگی - نیاز به احترام - روابط زناشویی
	اقتصادی خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن - توانایی برای بیان ویژگی‌های اقتصادی - زندگی رقابتی - تمایز اقتصادی - شیوه تغذیه - شیوه آرایش و پوشش

جدول شماره دو: مفاهیم و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

مقولات	مفاهیم
ساختاری	فرهنگی خودباوری ملی - روحیه آزادگی - توسعه فرهنگ بهره‌وری - اصلاح الگوی مصرف - پرهیز از اسراف و تبذیر در دستگاه‌های دولتی - عدم

<p>استفاده از کالاهای خارجی - تشویق به اشاعه فرهنگ کار - ایجاد فرهنگ همکاری بین مردم و مسئولین- اشاعه و ارج نهادن به فرهنگ استقامت در بین مردم - بازتولید فرهنگ مشارکت و تعاون در جامعه - بهره‌گیری از متون اسلامی توسط رسانه در اشاعه فرهنگ کار و مصرف - تقویت فرهنگ آرمانی در تحقق پیشرفت و عدالت اقتصادی</p>		
<p>کاهش وابستگی به نفت - استفاده از صنایع دانش‌بنیان-کارآفرینی - کاهش وابستگی اقتصادی به خارج از کشور - تشویق به تولید ملی - استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات - حرکت بر اساس برنامه - پرهیز از تصمیمات شتابزده - بالا رفتن رشد اقتصاد ملی - مصرف بهینه - استفاده و مصرف تولیدات داخلی - آینده‌نگری - مردمی کردن اقتصاد - توانمندی بخش خصوصی - تسهیل مشارکت اقتصادی مردم به وسیله وضع قانون - توسعه تعاونی‌ها - توزیع عادلانه ثروت در کشور و حرکت به سوی عدالت اجتماعی - توسعه بخش کشاورزی</p>	<p>اقتصادی</p>	
<p>انتخاب و مصرف کالای ایرانی و پرهیز از مصرف کالاهای مشابه خارجی توسط مردم - نگاه صحیح به فرهنگ کار و کارگر - نکوهش فرهنگ استفاده از کالاهای تجملی و غیرضرور - نکوهش پدیده چشم و هم‌چشمی و فخرفروشی به وسیله استفاده مارک‌های خارجی کالاها -</p>	<p>فرهنگی</p>	<p>فردی</p>
<p>انتخاب کالای داخلی - اصلاح الگوی مصرف (کالا و انرژی) - تقویت روحیه جهادی در فعالیت اقتصادی- فعالیت اقتصادی سالم و اسلامی - روحیه مسئولیت‌پذیری - نفی اسراف و تبذیر - دوری از مُدگرایی</p>	<p>اقتصادی</p>	

جدول شماره سه: شاخص‌های سبک زندگی اسلامی متناسب با اقتصاد مقاومتی

مفاهیم	مقولات
کمال‌خواهی و معنویت‌گرایی - اخروی‌گری - اخلاق‌گرایی - حرمت نفس - ارزش معرفت و تفکر - احترام به هم‌نوع - رعایت پوشش مناسب - مسئولیت‌پذیری - ارتباطات خویشاوندی - انفاق و دستگیری - تغذیه حلال - تشکیل خانواده - تربیت صحیح فرزند - امر به معروف و نهی از منکر - کار جمعی - نظم - رعایت حقوق اجتماعی - راستی - امانت‌داری - پاکدامنی - حیا و حجب - دعوت به خیر - تبلیغ دین - مشورت	نظام فرهنگی هنجارها و ارزش‌ها
تشویق به اشتغال - با ارزش بودن کار - مذموم بودن داشتن فقر مالی - سازندگی - انضباط مالی - مصرف متعادل - پرهیز از تجمل‌گرایی - مال حلال - کسب حلال - تشویق به تولید - تشویق به قناعت‌ورزی - پرداخت خمس و زکات و صدقه - درستی در معاملات - میانه‌روی در معیشت - سنت وقف - قرض‌الحسنه - انفال	نظام اقتصادی رفتارهای اقتصادی

نتیجه

با توجه به تأثیرات متقابل بین نظام‌های اجتماعی در کنش‌های فردی و جمعی و ظرفیت‌های دین اسلام در ساخت این نظام‌های اجتماعی، بدیهی است که وجه دینی بودن کنش به صورت عام، زمانی صورت می‌پذیرد که برآمده از نظام معنایی دین باشد و همچنین توسط ساختارهای اجتماعی برآمده از نظام معنایی غیردینی یا ضد دینی (اسلام) محدود نگردد.

مسئلاً الگوهای اداره جامعه برآمده از مبانی و نظریه‌های مکاتب مختلف، تولید سبک‌های متفاوت زندگی را در پی خواهد داشت؛ همان‌طور که الگوی توسعه غربی دارای پارامترها و مشخصه‌هایی است و فرد، خانواده و جامعه در آن تعریف خاص خود را دارد. به عنوان مثال فردیت، اقتصادمحور بودن در زندگی و دنیاگرایی از جمله این مشخصه‌ها در سبک زندگی مدرن است.

سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی با تکیه بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، هماهنگی ساختاری و انسجام فرهنگی بالایی را طلب می‌کند که شرح آن در این مجال نمی‌گنجد. این مهم زمانی اتفاق می‌افتد که الگویی برآمده از شرایط بومی با مبانی و اهداف مطلوب دینی در اداره جامعه نقش ایفا کند.

در ارائه تبیین رابطه بین سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی بر اساس مؤلفه‌های استخراجی، همه کنش‌های اقتصادی با معیار ارزش‌های دینی سنجیده می‌شود که به نوعی، کارآمدی، پویایی و اخروی‌گری را در این کنش‌ها به نمایش می‌گذارد.

مؤلفه‌های سبک زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی

- اخلاق‌محور بودن فعالیت‌های اقتصادی
- مصرف متعادل مدیریت شده (مسکن، امکانات رفاهی، پوشش، تغذیه)
- پرهیز از اسراف و تبذیر
- داشتن روحیه جهادی در فعالیت اقتصادی
- همراهی دانش در فعالیت‌های اقتصادی
- بهره‌وری بیشتر در فعالیت‌ها
- کسب و کار سالم و حلال
- فضیلت آموزه قناعت
- مذمت دانستن بیکاری و فقر مالی
- مذمت رفاه زدگی
- دوری از مدگرایی، مصرف‌زدگی
- دوری از تجمل‌گرایی
- اهمیت فعالیت تولیدی در اقتصاد
- درستی در معاملات
- مسئولیت‌پذیری اجتماعی
- حساس بودن نسبت به منافع اجتماعی و ملی
- اهمیت داشتن کار آفرینی و اشتغال مولد
- تغذیه حلال
- داشتن روحیه تعاون و کار جمعی

ارزش‌های دینی در سبک زندگی اقتصادی

منابع و مأخذ

۱. آبرکسی، نیکلاس و استفن لیل (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه شناسی، ترجمه حسین پویان، تهران: چاپخش.
۲. آذربایجانی مسعود (۱۳۸۱)، ابزار سنجش گرایش دینی، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. ازکیا، غفاری (۱۳۸۷)، جامعه شناسی توسعه، چاپ هفتم، تهران: کیهان.
۴. انسلم استراوس، جولیت کرین (۱۳۹۱)، مبانی پژوهش کیفی، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
۵. بهار، مهری (۱۳۹۰)، مصرف و فرهنگ، تهران: انتشارات سمت.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی کارآفرینان کشور در ۱۳۸۹/۶/۱۶.
۷. جمعی از دانشجویان در ۱۳۹۰/۵/۱۹.
۸. با کارگزاران نظام، در ۱۳۹۱/۵/۳.
۹. جمعی کارآفرینان کشور در ۱۳۸۹/۶/۱۶.
۱۰. جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان
۱۳۹۱/۵/۸.
۱۱. با دانشجویان ۱۳۹۱/۵/۱۶.
۱۲. با هیئت دولت ۱۳۹۱/۶/۲.
۱۳. با کارگران و فعالان بخش تولید کشور ۱۳۹۲/۲/۷.
۱۴. با دانشجویان ۱۳۹۲/۵/۶.
۱۵. با هیئت دولت ۱۳۹۲/۶/۶.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی در ۱۳۹۲/۱/۱.
۱۷. دانایی فرد، حسن و امامی، سیدمجتبی (۱۳۸۶)، استراتژی پژوهش کیفی، اندیشه مدیریت شماره ۲.
۱۸. ریتزر، جورج (۱۳۹۲)، مبانی نظریه جامعه‌شناسی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
۱۹. سیدمن، استیون (۱۳۹۲)، کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۲۰. عنبری، موسی (۱۳۹۰)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات سمت.
۲۱. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲۲. کاویانی، محمد (۱۳۹۰)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۶)، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۴. وبلن، توشتاين (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.